

نشریه ادبیات تطبیقی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان
دوره جدید، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰

عطار نیشابوری و میراث فکری وی در آسیای مرکزی*

بررسی تأثیر میراث فکری عطار نیشابوری در ازبکستان با تکیه بر آثار امیرعلیشیر نوایی

دکتر ابراهیم خدایار
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

آسیای مرکزی در درازنای پیدایش هسته‌های تمدنی در آن، یکی از حوزه‌های مهم فرهنگی ایران بوده است. مردم این منطقه از طریق زبان فارسی به دنیای دانش پامی گذاشتند؛ به گونه‌ای که تمام اهل فرهنگ این منطقه با این زبان و ادبیات آشنا بودند. از قرن نهم هجری قمری بدین سو، ترجمه آثار شاعران و نویسندگان ایران در این منطقه در کنار زبان اصلی در تربیت معنوی مردم نقش مهمی ایفا کرده است. یکی از کسانی که با ترجمه آثار ادیبان بزرگ ایران، حضور فرهنگی ایران را در این منطقه بیشتر و ماندگارتر کرده، امیرعلیشیر نوایی (تولد ۸۴۴ق/۱۴۴۱م - فوت ۹۰۶ق/۱۵۰۱م) است. در این نوشتار برای نخستین بار، با استفاده از دستاورد مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، با استناد به آثار اصیل، مجعول و ترجمه‌شده عطار نیشابوری (۹۵۳۷-۹۶۲۷ق) در ازبکستان (نسخه‌های خطی، چاپ سنگی و چاپی)، میزان تأثیر این شاعر، در شکل‌دهی به جهان‌اندیشه نوایی و از این طریق، به ذهن و زبان مردمان ازبک‌زبان آسیای مرکزی در دو بخش «نوایی و ادبیات فارسی» و «میراث فکری عطار و زبان و ادبیات ازبکی» تحلیل شد. نتایج این تحقیق نشان داد *منطق الطیر* عطار نیشابوری علاوه بر آنکه به زبان اصلی در بین مردم رواج داشته، از طریق ترجمه نوایی، با نام *لسان‌الطیر*، نیز

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۲۸
نشانی پست الکترونیک نویسنده: hesam_kh1@yahoo.com

حضور مؤثر در بین مردم ازبک‌زبان داشته است؛ ضمن آنکه علاوه بر حضور بیشتر آثار عطار در این منطقه، پندنامه منسوب به عطار، از آنجا که جزو کتاب‌های درسی مکتب‌خانه‌های آسیای مرکزی بوده است، تأثیری شگفت در زندگی مردمان این منطقه داشته و این تأثیر پس از فروپاشی شوروی و استقلال یافتن جمهوری‌های آسیای مرکزی افزایش یافته است.

واژگان کلیدی

عطار نیشابوری، امیرعلیشیر نوایی، آسیای مرکزی، ازبکستان، ادبیات تطبیقی (مکتب فرانسوی).

۱- مقدمه

آسیای مرکزی از دیرباز تا کنون به دلایل گوناگون جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای کشورهای بزرگ جهان، به ویژه ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این منطقه در عهد باستان به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابرایشم^۱ و راه مناسب تجاری کشورهای خاور دور با اروپا برای چین و یونان نیز جاذبه شگفتی داشت؛ اما از آنجا که نخستین زادگاه و اولین وطن ایرانیان آریایی نژاد بود^۲، اهمیت دوچندانی برای آنان داشت. بنابراین روایات معتبر، زرتشت نیز در این منطقه به دنیا آمد و تعالیم خود را در همین نقطه در میان پیروانش انتشار داد^۳؛ بنابراین، این سرزمین همواره در ذهن آنان منطقه‌ای اسطوره‌ای می‌نمود. نفیسی با استناد به *اوستا* در باره نخستین باششگاه ایرانیان نوشته است: «کتاب آسمانی ایران قدیم، یعنی *اوستا*، کشوری را نشان می‌دهد که آب و هوای آن خلد برین بود و اجداد ما نخست در آنجا پرورش یافتند و به قرینه می‌توان دریافت که مراد همان ارض موعود ایرانیان، خطه دلکش سواحل سیحون و جیحون است. علمای تاریخ عقیده دارند که ما ایرانیان از آنجا آمده‌ایم و ایران امروز به منزله خانه دوم ماست» (نفیسی، ۱۳۷۳: ۹؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک: مرادعلی بیگی لنگرودی، ۱۳۸۳: ۲۰۱-۲۰۶). پیوندهای این منطقه با تاریخ ایران از پیش از اسلام تا به امروز ادامه یافته است؛ به گونه‌ای که خاطرات آن، برای مردمان دو منطقه روایتگر اسطوره تا تاریخ این اقوام است.

از سوی دیگر، ایران به دلیل حضور تاریخی در این منطقه، نقش به سزایی در شکل‌گیری زبان‌ها و ادبیات مردمان گونه‌گون‌نژاد این منطقه داشته است. از تاجیکان، که بازماندگان آریاییان در این منطقه هستند و با ما هم‌نژادند و هم‌زبان، بگذریم؛ شمار زیادی از ملیت‌های دیگر ساکن در آسیای مرکزی، یعنی قزاق‌ها، قرقیزها، ترکمن‌ها و ازبک‌ها از نظر علایق فرهنگی و مذهبی با ما هم‌دل‌اند. وجود شمار زیادی از سنت‌های مشترک فرهنگی و در رأس آن نوروز گواه این مدعاست. از سوی دیگر، وجود تعداد چشمگیری از واژگان فارسی و نیز عربی پر کاربرد در فارسی، در زبان‌های ازبکی، ترکمنی، قزاقی و قرقیزی به این پیوندها رنگ و بوی عینی‌تری داده است؛ به گونه‌ای که حدود ده تا چهل درصد دارایی واژگانی زبان‌های ترکی تبار این منطقه، فارسی است یا اینکه لغات عربی‌ای است که از طریق زبان فارسی به این زبان‌ها راه یافته است.^۴ این منطقه زادگاه پدر شعر فارسی، رودکی سمرقندی (ف ۳۲۹ق) است و علاوه بر اینکه زادگاه شمار کثیر دیگری از نویسندگان و شاعران بزرگ فارسی‌زبان بوده است، شاعران و نویسندگان زبان‌های دیگر این منطقه نیز همواره از میراث استادان بزرگ زبان و ادبیات فارسی‌زبانان جهان ایرانی سود جسته، با الگو گرفتن از آثار آنان، به آثرینش ادبی دست یازده‌اند. تا پیش از وقوع انقلاب ۱۹۱۷م در مناطق تحت اشغال آسیای مرکزی، که پس از انقلاب به ترکستان روس^۵ تغییر نام داد و پیش از انقلاب‌های ۱۹۲۰م امارت‌های بخارا و خورازم؛ زبان فارسی نماد دانایی در این منطقه بود و مردم از دریچه این زبان و ادبیات آن، با دنیای دانش آشنا می‌شدند. «تا سال‌های انقلاب بلشویکی در این واحدهای سیاسی و جغرافیایی، صرف‌نظر از نژاد و زبان، زبان و ادبیات فارسی به عنوان جزیی از فرهنگ ملی و اجتماعی اقوام ساکن در آن شناخته می‌شد» (خدایار، ۱۳۸۴: ۹-۱۰). جمهوری تاجیکستان با زبان فارسی تاجیکی، یکی از پنج کشور این منطقه به شمار می‌رود که از آغاز تا به امروز، ادامه دهنده سنت‌های ایرانی در منطقه بوده است. به قول بازار صابر (تولد ۱۹۳۸م)، شاعر تاجیک، کم‌شورش در آسیای مرکزی «ایران کوچکی است» که همواره به سان «جزیره‌ای ایرانی»، پاسدار زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی عمل کرده است (بازار صابر، ۱۳۷۳: ۳۷۹-۳۸۰).

۲- پیشینه و روش تحقیق

شهرت امیرعلیشیر نوایی، در مقام نویسنده و سیاستمداری بزرگ در محیط ادبی هرات قرن نهم و اوایل قرن دهم، در دربار پادشاهان تیموری و انعکاس زندگی وی در تذکره‌ها و منابع تاریخی آن دوره و پس از آن تا کنون، کمتر ابهامی را از زندگی وی باقی گذاشته است. بدون استثنا، تمام منابع ادبی و تاریخی قرن نهم به بعد، فصلی را به زندگی و آثار وی اختصاص داده‌اند که ما بیشتر این مطالب را در فصل چهارم کتاب شرح احوال و آثار فارسی امیرعلیشیر نوایی متخلص به فانی (تهران: الهدی، ۱۳۸۷، ۱۱۱-۱۷۳) می‌بینیم؛ بنابراین، سخن گفتن در باره نوایی در قرون گذشته، حرف تازه‌ای را دربر نخواهد داشت. در عمده این آثار، به هنگام ذکر آثار نوایی، درباره ترجمه‌های نوایی از ادبیات کلاسیک ایران نیز سخن رفته است. در دوره معاصر، از دهه سی به این سو، به‌ویژه با تحقیقات علی‌اصغر حکمت (۱۲۷۱-۱۳۵۹ش) ذیل دو کتاب جامی (تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۲۰، در چاپ سوم، ۱۳۸۶: صص ۲۹-۳۴) و مجالس‌النفائس (تهران: بانک ملی ایران، ۱۳۲۳: مقدمه کتاب) و بعدتر همزمان با تأسیس مجله پیام‌نو (بعدتر پیام‌نوین) در سال ۱۳۲۳ در ایران، ماهنامه ادبی وابسته به انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی، که انتشار آن تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت (آسایش طلب طوسی، ۱۳۷۹: ۵/۸۸۷-۸۸۹)؛ مطالب تازه‌تری از نوایی از دید مردم ازبکستان به ایران منتقل شد که از نخستین مقالات در این باره می‌توان به مقاله «یک رمان از حیات نوایی، شاعر بزرگ ازبک»، اثر اوژن برتلس (دوره اول، شماره ۴، مرداد - اسفند ۱۳۲۳، ص ۱۳) اشاره کرد. در نیم قرن اخیر در ایران، درباره زندگی و آثار امیرعلیشیر نوایی در ایران آثار نسبتاً زیادی تألیف شده است که کامل‌ترین آن رساله دکتری خانم صفری‌بانو شگفته، از پاکستان، با نام شرح احوال و آثار فارسی امیرعلیشیر نوایی متخلص به فانی (دانشگاه تهران، ۱۳۴۷) است. این رساله در سال ۱۳۸۷ در ایران به همان نام یادشده (تهران: الهدی، ۴۰۸ص) به چاپ رسید. هرچند این کتاب کامل‌ترین مجموعه درباره نوایی به زبان فارسی است، به دلیل عدم تسلط مؤلف به زبان ازبکی و خط سیریلیک و در نتیجه، عدم استفاده وی از منابع ازبکی در تألیف خود، جامعیت لازم را ندارد؛

به‌ویژه آنکه در سال‌های پس از استقلال جمهوری ازبکستان، آثار زیادی درباره‌ی نوایی در این کشور تألیف شده است که می‌تواند در غنی‌تر و به‌روزآمد کردن این رساله مفید باشد. مؤلف در فصل هشتم این کتاب طی مطلبی بسیار کوتاه در حد ۱۱ سطر و به نقل از زکی ولیدی طوغان، پژوهشگر ترکیه‌ای، درباره‌ی نوایی و عطار و *لسان‌الطیر* و *منطق‌الطیر* سخن گفته است (۲۱۴-۲۱۵). در همین زمینه، دو مقاله‌ی زیر نیز درباره‌ی نوایی و آثار وی قابل توجه است: ۱. مقاله‌ی «امیرعلیشیر نوایی بزرگ‌ترین شخصیت ادبی ترک»، نوشته‌ی احمد زکی ولیدی طوغان، ترجمه‌ی مریم ناطق شریف (نامه‌ی پارسی، س ۳، ش ۳، بهار ۱۳۷۷، صص ۳۹-۵۷)؛ ۲. مقاله‌ی «نوایی، نظام‌الملک ثانی و امیرکبیر خراسان»، نوشته‌ی دکتر ابوالقاسم رادفر (ایران‌شناخت، ش ۱۱، زمستان ۱۳۷۷، صص ۴۲-۶۳). در این مقالات نیز فقط به اشاره‌ی درباره‌ی نوایی و عطار سخن رفته است که تحقیقات ولیدی طوغان با توجه به استفاده‌ی وی از آثار ای. برتلس (Bertels, E.) بیشتر به این مسئله پرداخته است. در حقیقت، باید برتلس را نخستین نوایی‌شناسی دانست که در سال ۱۹۲۸م/۱۳۰۷ش برای نخستین بار به زبان روسی با مقاله‌ی «نوایی و عطار» (ایزبورنیک، ۱۹۲۸: ۲۴-۸۲) به تأثیرپذیری نوایی از عطار سخن گفت و دیگر نوایی‌شناسان ازبکستان و تاجیکستان نیز به‌ندرت توانسته‌اند از حوزه‌ی تأثیر این مقاله خارج شوند. پس از برتلس، پژوهشگران دیگری درباره‌ی نوایی و عطار تحقیق کرده‌اند که نام تعدادی از آن‌ها در *تاریخ ادبیات ازبکی* (ЎЭБК АДАБИЁТИ ТАРИХИ، 1977: 2/323) دیده می‌شود. در چند سال اخیر نیز در این زمینه چند مقاله در این زمینه نوشته شده که دو مقاله‌ی زیر بیشتر به این مسئله ارتباط دارد:

۱. «خط‌سیر فکری منطق‌الطیر عطار و لسان‌الطیر نوایی»^۷، احمدجان قران‌بیک‌اف (تاشکند، ۲۰۰۴: ۲۹-۳۷)؛

۲. «نوایی و عطار (Навоий ва Аттот)»، دکتر سلطان‌مراد عالم (تاشکند، ۲۰۰۴: ۵۳-۶۵).

نگارنده در این مقاله با استفاده از دستاورد مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی^۸، با استناد به آثار اصیل، مجعول و ترجمه‌شده‌ی عطار نیشابوری در ازبکستان (نسخه‌های خطی، چاپ سنگی و چاپی)، میزان تأثیر این شاعر را در شکل‌دهی به جهان

اندیشه نوایی و از این طریق به ذهن و زبان مردمان ازبک زبان آسیای مرکزی در دو بخش «نوایی و ادبیات فارسی» و «میراث فکری عطار و زبان و ادبیات ازبکی» تحلیل خواهد کرد.

۳- نوایی و ادبیات فارسی^۹

نوایی^۹ شاعر ملی ازبک‌هاست. هرچند این امیر دانش دوست و شاعر متفکر در هرات افغانستان به دنیا آمد و در همانجا از دنیا رفت، علاوه بر خدمات مؤثر به رشد و بالندگی فرهنگ و تمدن ایران در عصر تیموریان هرات، در ارتقای زبان و ادبیات ازبکی، به سطح زبان ملی ازبکان نقش بارزی داشته است. وی با آثار فراوان خود در این زبان، هویت جدیدی به دیگر شاخه‌های زبان‌های ترکی نیز داده است؛ به گونه‌ای که در شکل‌گیری این زبان‌ها نقش آشکاری داشته و به تقریب، تمام شاعران کلاسیک و پس از کلاسیک ترکی جغتایی، و شاعران زبان‌های ترکمنی، ترکی عثمانی و آذربایجانی (Абдуллаев ва баш. 1977: 2/457-458) از این دیدگاه، علیشیر نه تنها در ادبیات شرق، بلکه در تاریخ ادبیات ترک، شخصیتی برجسته است» (زکی ولیدی طوغان، ۱۳۷۷: ۴۰). یانوس اکمن (Janos Ekman) در مرحله‌بندی ادبیات ترکی جغتایی به سه دوره «پیش از کلاسیک، کلاسیک و پس از کلاسیک»، شروع دوره دوم را با تألیف نخستین دیوان ترکی نوایی در سال ۸۷۰ق/۱۴۶۶م (رئیس‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۸۸) برابر می‌داند؛ بنابراین، اینکه وی را بنیان‌گذار ادبیات کلاسیک ترکی جغتایی و بزرگ‌ترین شخصیت ادبی این زبان در قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی دانسته‌اند، سخن به‌جایی است. این زبان پس از نوایی، در روزگار خان‌نشین‌های خوقند و خوارزم در قرن نوزدهم به درون ماوراءالنهر و خوارزم پیشرفت کرد و با حمایت این دو امارت‌نشین، به پیشرفت‌های زیادی نایل شد؛ در ابتدای قرن بیستم و همزمان با تقسیم آسیای مرکزی، زبان ملی جمهوری ازبکستان شد و اندکی پس از اعلام گلاسنوست و پروسترویکا (۱۹۸۵م)، درست دو سال قبل از اعلام استقلال ازبکستان (۱۹۹۱م)، در سال ۱۹۸۹م زبان رسمی ازبکستان اعلام شد (ازبکستان، ۱۳۸۸: ۲۲) و پس از اعلام استقلال این کشور با نامگذاری ده‌ها مرکز علمی و فرهنگی، استان، شهر،

روستا، پارک، خیابان و کوچه به نام وی، بیش از گذشته در این کشور مورد توجه واقع شده است. نوایی نزدیک به چهل^{۱۰} اثر به زبان ازبکی و فارسی تألیف و ترجمه کرده است که سهم آثار نوشته شده به زبان ازبکی بسیار بیشتر از زبان فارسی است؛ با این حال، تأثیر وی در انتقال روح فرهنگ ایران و آثار بزرگان آن، از جمله فردوسی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری، سعدی، حافظ و جامی، به ازبکی قابل هرگونه احترام است و ما در تمام این آثار، تأثیر بارز نمایندگان شاخص زبان و ادبیان فارسی را در آنها، صرف‌نظر از زبان این آثار به روشنی شاهد هستیم؛ حتی محاکمه‌اللغتین، جنجالی‌ترین اثر نوایی که در سال ۹۰۴ق، یعنی دو سال پیش از درگذشت نویسنده، نوشته و در آن بر لزوم توجه به زبان مادری در کنار زبان فارسی تأکید شده است و حتی در مواردی به گمان خویش، زبان مادری اش را بر فارسی بالاتر نهاده؛ ۶۲٫۶ درصد واژه‌های فارسی یا عربی دخیل در فارسی است (رئیس‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۸۸). نوایی درباره آثار خود به زبان‌های فارسی و ترکی این گونه سروده است:

معنی شیرین و رنگینم به ترکی بی حد است

فارسی هم لعل و درهای ثمین، گری بنگری

گویا در راست بازار سخن بگشوده‌ام

یک طرف دکان قنادی و یک سو زرگری

(دیوان فانی، ۲۱۲)

مهم‌ترین اثر فارسی نوایی، مجمه‌عہ اشعار این شاعر (حدود پنج‌هزار بیت) به نام دیوان فانی (دیوان امیر نظام‌الدین علی‌شیر نوایی "فانی") است. چاپ اول این اثر در سال ۱۳۴۲ به سعی و اهتمام ر. همایون‌فرخ در انتشارات ابن‌سینا و چاپ دوم آن در انتشارات اساطیر در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. در میان آثار ازبکی نوایی، که درباره فرهنگ و تمدن ایران است و به‌طور مستقیم از ادبیات کلاسیک ایران تأثیر پذیرفته، می‌توان از چندین اثر شاخص وی از جمله *خمسه نوایی*، *لسان‌الطیر*، *نسائم‌المحبه من شمائم‌الفتوه* (ترجمه نفعات‌الانس جامی)، *مجالس-*

النفائس (تذکره شاعران)، خمسه‌المتحیرین (درباره زندگی جامی)، تاریخ ملوک عجم، تاریخ انبیا و حکما یاد کرد.

خمسه نوایی (سروده شده در سال‌های ۱۴۸۳-۱۴۸۵م) یکی از برجسته‌ترین آثار نوایی در زمینه ترجمه آثار شاخص ادبیات کلاسیک ایران است. شاعر در این اثر به پیروی از نظامی گنجوی (۵۲۰/۵۳۰-۵۳۵/۶۰۲-۶۰۴/۶۱۴) دست زده و خمسه وی را پاسخ گفته است. ضمن آنکه در سرایش اثر خود از تجربه فردوسی در شاهنامه (۳۲۹/۳۳۰-۴۱۱/۴۱۶ق) و امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ق) در پنج گنج سود جسته است. خمسه نوایی شامل پنج منظومه ۱. حیرت‌الابرار، در برابر مخزن‌الاسرار؛ ۲. لیلی و مجنون، در برابر لیلی و مجنون؛ ۳. فرهاد و شیرین، در برابر خسرو و شیرین؛ ۴. سبعة سیاره، در برابر هفت‌پیکر؛ ۵. سد سکندری، در برابر اسکندرنامه است (Abdullaev va bash. 1977: 2/202-212).

وی در این مجموعه که بیش از ۲۵ هزار بیت^{۱۱} است، کوشیده بالاتر از مترجم صرف، در زبان ازبکی به تجربه جدید دست بزند و فضایی متفاوت از آنچه نظامی و امیر خسرو در سده‌های ششم و هفتم آفریده بودند، بیافریند. بنابر گواه محققان آثار نوایی، وی در این زمینه موفق عمل کرده است. این موفقیت آنقدر سریع برای نوایی حاصل شده که عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸)، استاد، دوست و پیرو وی در طریقت، در خاتمه خردنامه/اسکندری زبان به ستایش خمسه نوایی گشوده و در یک مقایسه غیرقابل باور برای دوستان نظامی و امیر خسرو، مقامی بسیار بزرگ برای وی در نظر گرفته است:

به ترکی زبان، نقشی آمد عجب	که جادو دمان را بود مُهر لب
که گر بودی آن‌هم به لفظِ دری	نماندی مجال سخن گستری
به میزان آن نظم معجزیان	نظامی که بودی و خسرو کدام
چو او بر زبان دگر نکته راند	خرد را به تمییزشان ره نماند

-(حکمت، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

هرچند، نوایی در وصف نظامی و عظمت پنج‌گنج وی نهایت احترام را به کار برده است: «و خمسه او را همه کس تتبع کرده‌اند و کسی مثل او نگفته، و حقایق و دقایق که در این پنج‌گنج درج کرده، مقدور بشر نیست، و از این جهت کرامت

او کفایت است» (نوایی، ۱۳۶۳: ۳۵۲). البته با توجه به شخصیت محبوب نوایی در محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هرات آن دوران در مقام وزیری صاحب‌رأی و دانشمندی با نفوذ در دستگاه امارت سلطان حسین بایقرا (۸۴۲-۹۱۱ق)، که وی را شخص دوم سلطنت تیموری کرده بود، این مدح جامی از وی قابل پیش‌بینی و پذیرفتنی می‌نماید و از این جهت عذر جامی پذیرفته است.

۴- میراث فکری عطار و زبان و ادبیات ازبکی

۴-۱- منطق‌الطیر عطار و لسان‌الطیر نوایی

یکی از آثار شاخص ادبیات کلاسیک ایران که با ترجمه نوایی به نام *لسان‌الطیر* به ترکی جغتایی برگردانده شده، مثنوی *منطق‌الطیر* عطار نیشابوری است. آشنایی نوایی با *منطق‌الطیر* و لذت از تجربه‌های عرفانی عطار در این اثر به آغاز زندگی نوایی باز می‌گردد. براساس آنچه در زندگی‌نامه نوایی آمده است، وی در چهارسالگی با *منطق‌الطیر* عطار آشنا شده، براساس برخی نقل قول‌های مشهور، وی در چهار سالگی این اثر را به طور کامل حفظ کرده بود. تأثیر این آشنایی آن قدر عمیق بود که وی تا پایان عمر زیر نفوذ معنوی این کتاب قرار گرفت و همیشه از آموزه‌های آن در طی مسیر سیر و سلوک خود بهره می‌برد (ОЛИМОВ, 2004: 53). نوایی در *لسان‌الطیر* در مورد آشنایی‌اش با *منطق‌الطیر* می‌گوید:

ماجرا اینگونه در خاطر من نقش بسته که در روزگار کودکی که در مکتب‌خانه، کودکان محروم و زبون را برای سبق گرفتن وامی داشتند، برخی به خواندن داستان‌های مشهور و بعضی به خواندن بوستان و گلستان میل داشتند، طبع بوالهوس من، از من خواندن *منطق‌الطیر* را تقاضا می‌کرد (Хабибуллев, 2004: 76).

نوایی این اثر عطار را در سال ۹۰۴ق/۱۴۹۸-۱۴۹۹م با حدود ۳۴۹۵ بیت به نام *لسان‌الطیر* به ازبکی برگرداند. این ترجمه به همان وزن *منطق‌الطیر*، یعنی «رمل مسدس محزون یا مقصور»، است و برخلاف تمام آثار ترکی نوایی که با تخلص نوایی به نظم درآمده، با تخلص فارسی وی، یعنی فانی، سروده شده است.^{۱۱} هرچند نوایی در آثار ترجمه‌ای خود با فروتنی تمام، آن‌ها را متأثر از آثار ایرانی و «جواب‌های ناچیز» آن‌ها شمرده (نوایی، ۱۳۱۵: مقدمه، ۹۰، به نقل از زکی ولیدی

طوغان، ۱۳۷۷: ۴۸) و در همین اثر نیز به قول خودش «با توفیق حق و به شیوه ترجمه» به این کار دست زده (ЎЭБК АДАБИЁТИ ТАРИХИ, 1977: 2/325). بدیهی است طرح کلی کتاب نمی تواند از طرح منطق الطیر جدا باشد؛ اما اثر نوایی هم از نظر حجم و تعداد داستان هایش و هم از نظر توصیف صحنه ها، کاربرد تشبیهات و استعارات و نیز بازتاب زندگی ویژه مردمان هرات در قرن دهم، ویژگی های خود را دارد؛ به گونه ای که می توان از این دیدگاه، آن را ترجمه ای کاملاً آزاد از اثر عطار دانست. برتلس در اثر خود «نوایی و عطار» (لنین گراد، ۱۹۲۸: ۲۴-۸۲) برای نخستین بار به این تفاوت ها اشاره کرده و با استناد به یکی از ابیات پایانی مثنوی لسان الطیر نوایی (از پیش خود این طرح نو را نریختم، اسرار عطار را شرح کردم^{۱۳}) تأکید کرده که این ترجمه یک نوع ترجمه آزاد منطق الطیر بوده و در حکم «داستانی در وصف داستان عطار» به نظر می رسد (Афсахэод, 1989: 2/406). زکی ولیدی طوغان نیز در این مورد نوشته است: «این نخستین تجربه [مقایسه لسان الطیر با منطق الطیر] برای اثبات اینکه آثار او خالی از تازگی و تقلید محض نیستند، کافی است» (زکی ولیدی طوغان، ۱۳۷۷: ۴۸). برای آنکه به تفاوت های این دو اثر بیشتر آشنا شویم، به ذکر دو بیت از قصه شیخ صنعان عطار و ترجمه نوایی از آن اشاره می کنیم. عطار در این قصه از زبان دختر ترسا در خطاب به شیخ، شرط وصالش را در دو بیت بیان کرده است:

گفت دختر گر تو هستی مرد کار چار کارت کرد باید اختیار:
سجده کن پیش بت و قرآن بسوز خمر نوش و دیده از ایمان بدوز
(منطق الطیر، ۲۹۲)

نوایی این گونه سروده است:

کیم منینسگک وصلیم تمنا ایلمیش
اختیار اتمک کر کدور تورت ایش:
می ایچیپ، زنار الیپ، بولغانده مست،
کویدور ووب مصحفنی، بولماق بت پرست

(ЎЭБК АДАБИЁТИ ТАРИХИ, 1977: 2/230)

ترجمه: «آنکه وصال مرا آرزو کرده است، چهار کار باید اختیار کند: شراب بنوشد، زنار بر کمر بندد؛ در حالت مستی، قرآن بسوزاند و بت پرست شود.»

همان گونه که دیده می‌شود، نوایی در ترجمه، ضمن تغییر لحن خطابی دختر ترسا به لحن سوم شخص در هر دو بیت، که گویی قبل از برآورده شدن شروط خود، حاضر نیست رو در روی شیخ بیندازد، فقط مصراع «اختیار اتمسک کرکدورتورت ایش» را ترجمه واژه‌به‌واژه کرده و از چهار کاری که دختر ترسا از وی خواسته، در دو مورد (خمر نوشیدن و قرآن سوزاندن) ترجمه لفظ‌به‌لفظ کرده (می نوشیدن، مصحف سوزاندن)، و در دو مورد دیگر (سجده کردن در پیش بت و دیده از ایمان دوختن) مفهوم درخواست‌های دختر ترسا را با کلمات و عبارات دیگر (بت پرست شدن و زنار بستن) آورده است، ضمن آنکه مصراع نخست نیز کاملاً تغییر کرده است: «عطار: گنست دختر گرتو هستی مرد کار، نوایی: آنکه وصال مرا آرزو کرده است.»

از سوی دیگر، اگر منطق الطیر از نظر حجم ۴۷۲۴ بیت^{۱۴} باشد که عطار در ضمن آن‌ها از ۱۷۴ حکایت، قصه و تمثیل بهره گرفته (فروزانفر، ۱۳۷۴: ۵۱)، تعداد ابیات لسان‌الطیر نوایی ۳۴۹۵ بیت است که فقط ۶۳ حکایت در آن‌ها گنجانده شده است (Абдуллаев ва баш., 1977: 2/328).

در هر صورت به‌رغم آن‌که در قرن نهم هجری در دربار سلطان حسین بایقرا در سایه آرامش و امنیتی که در هرات ایجاد شده بود، ادبیات فارسی در دامان خود عبدالرحمن جامی، خاتم‌الشعرا خود را پرورش می‌داد؛ امیرعلیشیر نوایی با الهام از زبان و ادبیات فارسی، گنجینه پرباری را در ادبیات ترکی جغتایی ایجاد کرد که یک‌سره رنگ و بوی آثار شاخران و عارفان ایرانی را داشت. گفتیم که منطق‌الطیر عطار از رهگذر ترجمه منظوم نوایی به گنجینه ادبیات ازبکی افزوده شد. در سال ۱۷۱۱م میلادی مولانا قاضی‌خواجه رضایی پیوندی نظیره‌ای به ازبکی به نام Куш Тили (زبان مرغ) در ۴۲۸۰ بیت سرود که هنوز چاپ نشده است (Хасанова, 2004: 102-104).

در سال‌های اخیر و پس از استقلال یافتن جمهور ازبکستان، لسان‌الطیر همچون سایر آثار نوایی به صورت مستقل یا در مجموعه آثار ۱۵ و ۲۰ جلدی نوایی و با

خط سربلیک چاپ شده است که ما ذیلاً به تعدادی از این نوع آثار اشاره می‌کنیم:

۱. ویژگی‌های واژه‌سازی و زیبایی‌شناسی *لسان‌الطیر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حمیداف در سال ۱۹۸۲م؛^{۱۵}
 ۲. *لسان‌الطیر* برگردان به نثر جدید از یکی از سوی شریف‌اف چاپ شده در سال ۱۹۸۴م و ۱۹۹۱م؛^{۱۶}
 ۳. *لسان‌الطیر* منظوم نوایی در سال ۱۹۹۱م؛^{۱۶}
 ۴. ترجمه *لسان‌الطیر* (The Language of the Birds) از سوی شوکت عظیم‌اف به زبان انگلیسی در سال ۲۰۰۶م.
- دو تن از عرفان‌پژوهان ازبکستان به نام‌های دکتر نجم‌الدین کامل‌اف در کتاب *تصوف*^{۱۷} (تاشکند ۱۹۹۶م) و دکتر ابراهیم حوقل در دو کتاب *خودتصوف و شاعرانگی* (تاشکند ۱۹۹۱م) و *شکل‌گیری و گسترش شعر عرفانی ازبکی*^{۱۸} (تاشکند، ۱۹۹۵م) درباره جایگاه و پایگاه *لسان‌الطیر* در شکل‌دهی به ادب عرفانی ازبکی تأکید کرده‌اند.
- پس از برگزاری همایش عطار نیشابوری در سال ۱۳۸۳ق/ ۲۰۰۴م در دانشگاه شرق‌شناسی تاشکند و چاپ مجموعه مقالات آن در ۱۰۸ص به زبان ازبکی^{۱۹}، جمال کمال، رئیس پیشین اتحادیه نویسندگان ازبکستان، مترجم شش دفتر مثنوی مولوی و برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵)؛ یک‌بار دیگر *منطق‌الطیر* عطار نیشابوری را در سال ۱۳۸۵ش/ ۲۰۰۶م در ۴۰۰ص به شعر منظوم ازبکی جدید برگرداند (*آثار منتشره و ایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاشکند، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰*).
- نوایی در اثر دیگرش، *نسائم‌المحبه من شمائم‌الفتوه*، که ترجمه *نفحات‌الانس* جامی به همراه افزوده‌هایی از نام عارفان دیگر در این کتاب است، علاوه بر آن که شرح حال عطار را در شماره هفتصد و پانزدهم گنجانده^{۲۰}، در شش جای دیگر *نسائم‌المحبه* نیز به مناسبت‌هایی از عطار یاد کرده است و این اشارات نشان می‌دهد که نوایی هنگام ترجمه *نفحات‌الانس*، نسخه‌ای از *تذکره‌الولیاء* را پیش چشم خود داشته و به مناسبت‌هایی به آن ارجاع می‌داده است. مثلاً وی در شرح حال

عبدالله مبارک خواننده را برای دریافت اطلاعات بیشتر به تذکره‌الاولیاء ارجاع می‌دهد (ОЛИМОВ, 2004: 61).

۴-۲- بررسی نفوذ آثار اصیل و مجعول عطار در ازبکستان

به غیر از منطق‌الطیر عطار، آثار دیگر این شاعر نیز در این منطقه کم‌وبیش از اواخر قرن هفتم تا کنون از سوی مردم گونه‌گون زبان، بیشتر به زبان اصل و به ندرت به شکل ترجمه مورد استفاده قرار گرفته است. پندنامه منسوب به عطار، تذکره‌الاولیاء، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه و ... از این دسته‌اند. بدیع‌الزمان فروزانفر در کتاب شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری در صحت انتساب پندنامه به عطار تردید کرده بود (فروزانفر^{۲۱}، ۱۳۷۴: ۷۶)؛ اما دکتر شفیع کدکنی در مقدمه منطق‌الطیر، این اثر را به کلی مجعول دانسته و درباره تأثیر این کتاب مجعول در قلمرو تمدن اسلام نوشته است: «هیچ‌یک از آثار اصیل و مجعول منسوب به عطار، به اندازه پندنامه در قلمرو تمدن اسلامی شیوع و انتشار نداشته است» (عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: مقدمه مصحح، ۳۷).

این کتاب همانند سایر قلمرو تمدن اسلام در هند و آسای صغیر^{۲۲}، جزو برنامه درسی مکاتب (مدارس ابتدایی امروز) ماوراءالنهر نیز بود و به همراه سه کتاب دیگر درسی، یعنی نام‌حق (از شرف‌الدین بخاری)، بدان (قاضی عضدالدین ایجی) و مهمات‌المسلمین (جلال‌الدین کشی) به چار کتاب/چهار کتاب^{۲۳} مشهور بوده است. علاوه بر چاپ ده‌ها باره پندنامه در درون چهار کتاب، ده‌ها چاپ سنگی پندنامه به صورت مستقل از ۱۸۸۸-۱۹۱۷م، یعنی اولین و آخرین چاپ سنگی پندنامه در آسیای مرکزی، صورت پذیرفته که می‌توان به نشانی حدود ۶۴ نوبت چاپ از این کتاب (۴۴ نوبت در تاشکند، ۹ نوبت در بخارا، ۶ نوبت در سمرقند، ۴ نوبت در خوقند و ۱ نوبت در خیوه) در گنجینه نسخ خطی ابوریحان بیرونی در تاشکند دست یافت. این کتاب‌ها به منظور تدریس در مکتب‌خانه‌ها این منطقه در پنج شهر ازبکستان کنونی چاپ و منتشر شده است^{۲۴}. تعداد آثار چاپ سنگی گزیده یا کامل اشعار حافظ و بیدل در همین سال‌ها به ترتیب حدود ۶۶ و ۵۴ نوبت بسوده است (خداایار و کریم‌اف: ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۲۰). به غیر از پندنامه، ده‌ها نسخه خطی از سایر آثار عطار به‌ویژه تذکره‌الاولیاء در گنجینه نسخ

خطی ابوریحان بیرونی^{۲۵} وجود دارد که نشانی حدود صد و پنجاه نسخه از آن‌ها در مقاله «آثار ادبی عطار در گنجینه نسخ خطی ابوریحان بیرونی»^{۲۶} تألیف شاه‌نیاز موسی‌یف آمده است (Musaev, 2004: 88-104). از جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد:

۱. سته [در اصل سطره] فریدالدین عطار (الهی‌نامه، منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه،

دیوان غزلیات، اشترنامه، اسرارنامه)، تاریخ کتابت ۸۲۷ق، به شماره ۸۱۳؛

۲. اسرارنامه، تاریخ کتابت ۱۰۶۴ق، به شماره ۱۸۲/II و چند نسخه مکرر دیگر

از این اثر با تاریخ‌های مختلف؛

۳. اوشرنامه، تاریخ کتابت ۱۰۶۴ق، به شماره ۱۸۹/II و چند نسخه مکرر دیگر

از این اثر با تاریخ‌های مختلف؛

۴. الهی‌نامه، تاریخ کتابت ۱۰۶۵ق، به شماره ۱۸۹/IV و یک نسخه دیگر به

تاریخ ۱۱۵۹ق؛

۵. بی‌سرنامه، تاریخ کتابت ۱۱۵۹ق، به شماره ۱۹۳۹/III و چند نسخه مکرر

دیگر از این اثر؛

۶. پندنامه، تاریخ کتابت ۹۷۹ق، به شماره ۱۱۵۶۵/VIII و یازده نسخه دیگر با

تاریخ‌های مختلف یا بدون تاریخ؛

۷. منطق‌الطیر، تاریخ کتابت ۷۷۱ق، به شماره ۱۰۲۲۹ و حدود ۳۵ نسخه دیگر

از این اثر؛

۸. مصیبت‌نامه تاریخ کتابت ۱۰۶۴ق، به شماره ۱۸۹/III و ۶ نسخه دیگر مکرر؛

۹. خسرو و گلرخ، تاریخ کتابت ۱۱۵۹ق، به شماره ۱۹۳۹/II؛

۱۰. از ترجمه حدیث حضرت عطار، تاریخ کتابت ۱۱۵۹ق، به شماره

۱۹۳۹/III؛

۱۱. جواهر ذات (جواهرالذات)، تاریخ کتابت ۱۱۵۹ق، ۱۹۳۹/VII؛

۱۲. حلاج‌نامه، بدون تاریخ، به شماره ۷۴۶۴؛

۱۳. وصلت‌نامه، تاریخ کتابت ۹۷۹ق، به شماره ۱۹۳۹/XV؛ و پنج نسخه دیگر با

تاریخ‌های مختلف؛

۱۴. تذکره الاولیاء، تاریخ کتابت رجب ۶۹۸ق، به شماره ۴۲۶/۱ و حدود ۵۱ نسخه دیگر مکرر؛
۱۵. رساله عین‌الیقین، تاریخ کتابت ۱۰۹۱ق، به شماره ۹۹۲۴/۷۱؛
۱۶. دیوان عطار، تاریخ کتابت ۸۲۷ق، به شماره ۸۱۳/۱۷ و ۸ نسخه دیگر با تاریخ‌های متفاوت؛
۱۷. کلیات عطار (الهی‌نامه، وصلت‌نامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر، اشترنامه، دیوان عطار)، تاریخ کتابت ۱۰۷۶ق، به شماره ۷۰۲۸؛ و نسخه‌هایی از کنز‌الائثر، کنز‌الرموز، مجنون‌نامه، بلبل‌نامه و ...

۵- نتیجه‌گیری

حضور فرهنگی ایران در منطقه آسیای مرکزی در درازنای تاریخ جایگیری جمعیت و شکل‌گیری دولت و تمدن در آن، همواره بیش از حضور سیاسی آن بوده است. حتی در روزگاری که شمشیر حاکمان این منطقه علیه ایرانیان به کار گرفته می‌شد، زبان حاکمانشان به فارسی می‌چرخید. در دوران جدید نیز پیوند ایران با این منطقه از نظر فرهنگی برجسته‌تر از سایر لایه‌های تمدن آن دیده می‌شود. در این میان، نقش شاعران و ادیبان کلاسیک ایران در تأثیرگذاری بر فضای فرهنگی و نمایندگان شاخص فرهنگی و ادبی این منطقه برجسته می‌نماید. نتایج این تحقیق نشان داد:

۱. آثار عطار نیشابوری از اواخر قرن هفتم به این سو، به طور مستقیم در بین تمام اقوام گونه‌گون‌زبان ساکن در این منطقه رواج داشته است. وجود ده‌ها نسخه از دست‌نویس‌های آثار وی در کتابخانه‌های منطقه، به‌ویژه ازبکستان، مؤید این مدعاست.

۲. در کنار استفاده مردم منطقه از آثار عطار، بخش عظیمی از شهرت عطار در بین غیرفارسی‌زبانان منطقه، مدیون آثار علیشیر نوایی است. این شاعر با ترجمه برخی از آثار عطار به ازبکی، از جمله منطق‌الطیر، علاوه بر آنکه قوم ازبک را به زبان مادری‌شان با اندیشه‌های عطار آشنا کرد، موجب آشنایی بیشتر سایر اقوام ترک‌زبان منطقه با آثار شاخص ادب فارسی، به‌ویژه عطار، شد.

۳. برخی از آثار منسوب به عطار، از جمله پندنامه، از آنجا که جزو کتاب‌های درسی مکتب‌خانه‌های این منطقه بود، بارها و بارها به صورت دست‌نویس و چاپ سنگی منتشر شده، از این طریق در زندگی مردم حضور جدی داشته و در تربیت روحی آنان نقش بارزی ایفا کرده است.

۴. فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، باعث شد تا این ملل بیشتر به ریشه‌های ادب و فرهنگ گذشته خود بازگردند. این بازگشت، پیوند آنان را با ایران و شخصیت‌های ادبی و فرهنگی آن بیشتر کرده است. برگزاری نشست‌های متعدد علمی و چاپ ده‌ها کتاب در این زمینه، از نشانه‌های گسترش این پیوندهاست.

۶- چند پیشنهاد

۱. به نظر می‌رسد با توجه به حجم تأثیر و نفوذ عطار در ازبکستان از اواخر قرن هفتم به این سو، بررسی دقیق این موضوع از منظر ادبیات تطبیقی، نیازمند کار میدانی بیشتر در قالب یک طرح پژوهشی است؛
۲. بررسی تطبیقی داستان‌های عطار و نوایی در منطق‌الطیر و لسان‌الطیر از نظر پیرنگ و موتیف‌های مقید و آزاد در آن، در قالب یک طرح پژوهشی؛
۳. بررسی و تدوین کتاب‌شناسی توصیفی نسخ خطی و آثار چاپ سنگی اصیل و مجعول عطار در ازبکستان در قالب یک طرح پژوهشی.

یادداشت‌ها

- ۱- راه ابریشم خشکی از چین به آسیای مرکزی و از آنجا به شمال ایران و از این راه به آسیای صغیر و مدیترانه متصل می‌شد (ر.ک: حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۲).
- ۲- خاستگاه ایرانیان آریایی، براساس اوستا، مکانی است که در زبان پهلوی ایرانویج نامیده شده است. برخی از باستان‌شناسان، این مکان را منطقه قره‌باغ در آذربایجان (قققاز)، و گروهی دیگر آن را منطقه‌ای در آسیای مرکزی، حوالی خوارزم، در جنوب دریاچه آرال می‌دانند (ر.ک: فره‌وشی، ۱۳۷۴: ۸؛ حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۰). قدرمسلم روایت دوم به واقعیت نزدیک‌تر است.

۳- روایات موثق، زادگاه زرتشت را در این منطقه دانسته‌اند: «در دورهٔ ساسانی سعی شده است که آن را جایی در نزدیکی دریاچهٔ چیچست (=ارومیه) مطابق کنند؛ در حالی که از نظر تاریخی زردشت متعلق به شرق ایران است» (ر.ک: آموزگار، ۱۳۷۴: ۷۳).

۴- از آنجا که هنوز تحقیق مستقلی در این زمینه انجام نگرفته است، ارائهٔ آمار دقیقی در بارهٔ میزان تأثیر واژگان زبان فارسی و عربی در زبان‌های ازبکی، ترکمنی، قرقیزی و قزاقی، و واژگان قرضی این زبان‌ها با منشأ فارسی و عربی ممکن نیست؛ با این حال مسلم است که زبان‌های ازبکی و ترکمنی بیش از دو زبان قزاقی و قرقیزی از زبان فارسی تأثیر پذیرفته‌اند.

۵- ترکستان به سرزمینی اطلاق می‌شده که مسکن اصلی قوم ترک در آنجا بوده و تقریباً با ایالت سین کیانگ یا ترکستان چین کنونی، ترکستان شرقی، مطابقت دارد. بر اثر مهاجرت مستمر این قوم به طرف غرب، در اواخر دولت سامانیان، رفته‌رفته قسمت اعظم ماوراءالنهر، نام ترکستان را به خود گرفت (ر.ک: شهیدی مازندرانی، ۱۳۷۷: ۶۶۵-۶۶۶). سقوط سامانیان ایرانی‌نژاد در سال ۳۸۹ق و تأسیس دولت قره‌خانیان در ماوراءالنهر (۳۸۹-۵۲۳ق)، نخستین دولت ترک مسلمان، موج عظیمی از صحرائشینان بیابانگرد ترکستان غربی (سین کیانگ چین) و ترک‌های شمال ماوراءالنهر (قزاقستان کنونی) را به درون ماوراءالنهر کشاند که روند ترکی‌سازی را در آن منطقه به اوج رساند (فروزانی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). این جریان، در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. این منطقه پس از اشغال از سوی روسیه، در آغاز نیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی، و تا پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که دربرگیرندهٔ مناطق اشغال شدهٔ شرق دریای خزر از سوی روسیه بود، ترکستان روس نامیده شد (بلنیتسکی، ۱۳۷۱: مقدمهٔ مترجم ۱۲). ترکستان شرقی یا ترکستان چین نیز با شهرهای معروف خود، کاشغر و یارکند، در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شهره است. درخور توجه است هم‌اکنون یکی از شهرهای استان قزاقستان جنوبی، به مرکزیت چیمکنت/شیمکنت، ترکستان نام دارد (لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «ترکستان، ترکستان غربی و ترکستان شرقی»). دربارهٔ تاریخ پیدایش ترک‌ها، وطن نخستین آن‌ها و تاریخ ورود این قوم به

آسیای مرکزی و مواجهه آن‌ها با اقوام ایرانی تبار ساکن این منطقه، به آثار و.و. بار تولد، به ویژه، جلد نخست کتاب ارزشمند دو جلدی *ترکستان‌نامه* (ترکستان در عهد مغول)، ترجمه کریم کشاورز (تهران: آگه، ۱۳۸۷) و *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه دکتر غفار حسینی (تهران: توس، ۱۳۷۶) مراجعه شود.

Bertels, E. (1928). "Nevai i Attar". In *Sbornik. Leningrad. pp. ۶-24-82*

Атторнинг «Мант ут-тайтр» ва Навоийининг «Лисорон ут-тайтр» Асарларининг Ғоявий Йўналиши.

۸-ادبیات تطبیقی «به طور خلاصه عبارت است از بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت‌های دیگر، بررسی چگونگی این ارتباط و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر، و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر» (ندا، ۱۳۸۰: ۱۰) برای دیدن تعاریف دیگر و شناخت ویژگی‌های دو مکتب شاخص این رویکرد، یعنی مکتب فرانسوی ر.ک: غنیمی هلال، [۱۳۷۳] [۱۹۵۳]: ۳۵-۳۷، و مکتب امریکایی ر.ک: کفافی، ۱۳۸۲: ۱۸-۲۴. غنیمی هلال در تعریف ادبیات تطبیقی با رویکرد فرانسوی می‌نویسد: «پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد در گذشته و حال و به طور کلی، ارائه نقشی که پیوندهای تاریخی در تأثیر و تأثر داشته است، چه از جنبه‌های اصول فنی در انواع مکاتب ادبی و چه از دیدگاه جریان‌های فکری» (همان، ۳۲). وی مهم‌ترین ویژگی و تمایز مکتب فرانسوی از امریکایی را در مقایسه دو اثر یا دو شخصیت یا دو جریان فکری از دو زبان مختلف را «داشتن روابط تاریخی» می‌داند و عقیده دارد: «آن دسته از مقایسه‌های ادبی که فاقد روابط تاریخی است، از دایره ادبیات تطبیقی بیرون است» (همان، ۳۷).

۹-وی یکی از بزرگ‌ترین خادمان فرهنگ و تمدن ایران و زبان فارسی در قرن نهم بود. به قول علی اصغر حکمت: «امیر نظام‌الدین علیشیر، مانند آفتاب، مرکز نظام شمسی است و صدها کوكب فروزان از شاعر و نویسنده و متکلم و معمارانی و نقاش و مُدَّهَب و موسیقی‌دان اطراف آن مرکز دانش و ادب در سیر و حرکت بوده‌اند» (جامی، ۱۳۶۳: مقدمه: «و»). توصیف فخری هروی مترجم تذکره

مجالس النفائس به فارسی (ترجمه شده در حدود سال ۹۲۸ق) از علیشیر نوایی نمودار این بزرگی است. وی در قسم اول مجلس نهم مجالس النفائس از این وزیر دانشمند نام برده، و در باره وی نوشته است: «و آن مقدار بی مثل و نادر از خطاط و خواننده و سازنده و نقاش و مذهب و مصور و محرر و معنائی و شاعر که به تربیت او در نشو و نما آمده، معلوم نیست که در هیچ زمانی جلوه کرده باشد؛ او نیز از فنون این جماعت بهره تمام داشت، خاصه در شاعری؛ و پیش ترکان خردمند فاضل، مقرر است که تا بیان نظم ترکی شده، مثل او کسی قدم در آن وادی ننهاده، خسرو آن قلمرو، اوست؛ و او را قرینه عبدالرحمن [جامی] می‌دانند (همان، ۱۳۴).

۱۰- در باره تعداد کتاب‌ها و رساله‌های نوایی اقوال متناقضی نقل شده است. منابع موجود تعداد آثار وی را تا نزدیک به چهل کتاب و رساله رسانده‌اند. در این باره در زبان ازبکی: *ЎЭБК АДАБИЁТИ ТАРИХИ*, 1977: 2/405-407؛ در فارسی: Афсаҳод, 1989: 2/405-407؛ در ک: حکمت، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۴؛ شگفته: ۱۳۸۷: صص ۱۹۱-۲۰۰، ۲۴۳-۲۴۸. در ازبکستان مجموعه آثار نوایی به شکل‌های مختلف از جمله در دو دوره ۱۵ و ۲۰ جلدی طی سال‌های مختلف از ۱۹۶۳ به بعد چاپ شده است.

۱۱- در منابع فارسی تعداد ابیات خمسه نوایی را بین سی تا سی و دوهزار بیت دانسته‌اند. زکی و لیدی طوغان هم تعداد ابیات آن را ۶۴,۰۰۰ مصراع (۳۲۰۰۰ بیت) نوشته است. رقم متن، برگرفته از جلد دوم تاریخ ادبیات ازبکی (۱۹۷۷: ۲۰۴/۲) [*ЎЭБК АДАБИЁТИ ТАРИХИ*] است (زکی و لیدی طوغان، ۱۳۷۷: ۴۶؛ شگفته، ۱۳۸۷: ۲۰۷؛ رئیس‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

۱۲- این اثر در سال‌های مختلف (۱۹۶۵، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶) به صورت‌های جداگانه یا در مجموعه آثار نوایی به چاپ رسیده است.

۱۳- *اوز قاشسیمدن سالمدیم بسونو طرح/ایلدیم عطار اسرارنی شرح* (Қуронбеков, 2004: 37).

۱۴- عطار (نسخه شفيعی کدکنی، ۱۳۸۳). در نسخه‌های دیگر تعداد ابیات متفاوت است. فروزانفر تعداد ابیات آن را ۴۴۵۷ بیت دانسته است (۱۳۷۴: ۳۱۳).

- 15- Z. Hamidov. Alisher Navoiy *Lisonut-tayr* asari tilining leksik-stilistik xususiyatlari
- 16- Alisher Navoiy. *Lisonut-tayr* (nasriy bayon muallifi: Sh. Sharirov). — T.: 1984
- 17- Alisher Navoiy. *Lisonut-tayr*. — T.: 1991.
- 18- N. Komilov. Tasavvuf. T.: 1996. I. Haqqulov. Tasavvuf va sheʼriyat. — T.: 1991.
- 19- I. Haqqulov. Tasavvuf va sheʼriyat. — T.: 1991, Oʻzbek tasavvuf sheʼriyatining shakllanishi va taraqqiyoti. DDA. T.: 1995.
- 20- Шайх Фаридуддин Аттор Нишобуринмнг Хаёти ва Ижоди Мавзуйдаги Халқаро Илмий Анжуман. Тошкент.

۲۱- تمام اطلاعات نوایی در نِسائِم‌المجبه درباره عطار (-58) (ОЛИМОВ, 2004:65)، ترجمه اطلاعات نفعات الانس است (جامی، ۱۳۷۰: ۵۹۶-۵۹۸، ذیل شماره ۵۷۳)، و از این بابت تاریخ فوت عطار به دقت ثبت شده، یعنی ۶۲۷ق، و نه ۶۱۸ق. دکتر شفیعی کدکنی نیز ضمن بحثی مستوفی در مقدمه منطق الطیر، با استناد به تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی تاریخ درگذشت عطار را ۶۲۷ق دانسته است (عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۶ مقدمه مصحح). در نِسائِم‌المجبه شرح حال ۷۵۰ عارف ذکر شده است (Абдуллаев ва баш. 1977: 2/449).

۲۲- استاد فروزانفر در این اثر، که آن را به سال ۱۳۴۰ شمسی تألیف کرده، با استناد به مقدمه عطار در *خسرونامه*، نه اثر منظوم (*مصیبت‌نامه*، *الهی‌نامه*، *اسرارنامه*، *مختارنامه*، *مقامات طیور/منطق الطیر*، *خسرونامه*، *جواهرنامه*، شرح-*القلب و دیوان اشعار*) و یک اثر منثور (*تذکره الاولیاء*) را به طور قطع از عطار دانسته، آثاری چون *مظهرالعجایب*، *لسان‌الغیب*، *جواهرالذات*، *اشترنامه*، *مفتاح-الفتوح*، *بی‌سرنامه*، *حیدرنامه* را «بی‌سر و ته و سخیف» و به کلی معجول، و فقط در صحت انتساب *پندنامه شکک* و *تردید کرده* است (۱۳۷۴: ۷۵-۷۶). دکتر

شفیعی کدکنی در مقدمه منطق الطیر آثار اصلی عطار را تذکره‌الاولیاء، دیوان، مختارنامه و چهار منظومه (اسرارنامه، مقامات طیور=منطق الطیر، خسرونامه=الاهی‌نامه و مصیبت‌نامه) معرفی کرده، بدون استثنا تمام آثار دیگر منسوب به عطار را مجعول دانسته و نوشته است: «هیچ اثر دیگری از عطار نیست و تمام منظومه‌های ناتندرستی که به اسم بلبل‌نامه، بیسرنامه، پسرنامه، حیدری-نامه، پندنامه، جوهرالذات، حلاج‌نامه، سیاه‌نامه، اشترنامه، لسان‌الغیب، مظهرالذات، معراج‌نامه، مفتاح‌الفتوح، نزهت‌نامه، وصلت‌نامه، هیلاج‌نامه وجود دارد و بعضی از آنها مانند پندنامه متأسفانه بارها و بارها به نام او نشر یافته، هیچ کدام آثار او نیست» (۱۳۸۳: ۳۷).

۲۳- برای اطلاع بیشتر از پندنامه عطار و تأثیر آن در قلمرو تمدن اسلامی، چاپ‌های آن در ایران و جهان و نظر محققان در بارهٔ صحت و سقم انتساب آن به عطار مصطفوی سبزواری، ۱۳۷۹: ۷۶۶/۵-۷۶۷.

۲۴- دربارهٔ برنامهٔ مدارس و مکاتب ماوراءالنهر در دوران اسلامی ر.ک: عینی، ۱۳۶۲: ۱۶۳-۱۷۰؛ شکوری بخارایی، ۱۳۸۱: ۳۹، ۷۰؛ شکوری بخاری، ۱۳۸۲: ۴۰۷؛ رئیس‌نیا، ۱۳۸۷: ۱-۶ و مقالهٔ «تاریخچهٔ آموزش و پرورش تاجیکستان» مندرج در وبگاه

<http://dushanbe.icro.ir/index.aspx?siteid=185&pageid=7951>

[تاریخ بازدید ۱۸۹/۰۵/۰۳]

۲۵- از این اثر کوچک که در چاپ مصحح سیلوستر دوساسی (پاریس: ۱۸۱۹م)، با مقابله و بازنویسی عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: ۱۳۷۳) ۷۹ باب و ۸۵۳ بیت است، ده‌ها نسخهٔ خطی نیز در گنجینهٔ نسخ خطی ابوریحان بیرونی تاشکند نگهداری می‌شود، که قدیم‌ترین نسخهٔ تاریخ‌دار آن مربوط به ۹۷۹ق است. ش. موسی‌یف در مقالهٔ خود ۱۲ نسخهٔ خطی موجود در این مؤسسه را معرفی کرده است (Musaev, 2004: 93-94). عیلم‌الله حبیب‌الله‌یف در مقالهٔ «پندنامهٔ فریدالدین عطار»، حجم آیین اثر را اندکی بیش از ۹۰۰ بیت و در ۸۵ باب توصیف کرده است و این نشان می‌دهد حجم این کتاب در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت بوده است (Хабибуллоев, 2004: 78).

۲۶- یک نسخه منحصر به فرد از تذکره‌الاولیاء عطار (کتابت شده با خطی بسیار خوانا به سال ۶۸۵ قمری) در کتابخانه دانشگاه دولتی سمرقند نگهداری می‌شود که از نسخه‌های نادر تاریخ‌دار تذکره‌الاولیاء است. نسخه‌های تاریخ‌دار استفاده شده در تصحیحات تذکره‌الاولیاء به تصحیح استادان نیکلسن و استعلامی از ۶۹۲ق جلوتر نمی‌رود (عطار نیشابوری، ۱۳۷۲: ۱۳۷۲). دکتر شفیع کدکنی تصویری از این نسخه را در اختیار دارد و در حال تصحیح جدیدی از این کتاب با استفاده از این نسخه و نسخه‌های متعدد دیگر است. گمان می‌کنم وی برای اولین بار در ایران در مقدمه منطق‌الطیر به مناسبتی از این نسخه با نام نسخه تاشکندی تذکره‌الاولیاء نام برده است (عطار نیشابوری، ۱۳۸۳: پانوش ش ۱، ص ۶۴).

Литераурне Наследие Фариддуддина Атгара в ۲۷
Рукописном Фонде Инстиута Востоковения АН РУЗ.

کتابنامه

الف. آثار فارسی

- ۱- آثار منتشره رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاشکند. (۱۳۸۵). تهران: الهدی.
- ۲- آسایش طلب طوسی، محمد کاظم. (۱۳۷۹). «پیام نو/پیام نوین» در دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج ۵. تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلامی. صص ۸۸۷-۸۹.
- ۳- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۳). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سمت.
- ۴- ازبکستان. (۱۳۸۸). تهیه کننده دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵- بازار صابر. (۱۳۷۳). برگزیده آثار. به اهتمام رحیم مسلمانیان قبادیانی. تهران: الهدی.
- ۶- بارتولد، و. و. (۱۳۷۶). تاریخ توکهای آسیای میانه. ترجمه دکتر غفار حسینی، تهران: توس.

- ۷- _____ (۱۳۸۷). *ترکستان‌نامه* (ترکستان در عهد مغول). ترجمه کریم کشاورز. ج ۲، ج ۳. تهران: آگه.
- ۸- برتلس، اوژن. (مراد - اسفند ۱۳۲۳). «یک رمان از حیات نوایی، شاعر بزرگ ازبک». پیام نو. دوره اول، شماره ۴، ص ۱۳.
- ۹- بلنیتسکی، آ. (۱۳۷۱). *خوارسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)*. مترجم دکتر پرویز ورجاوند، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ۱۰- جامی، عبدالرحمان بن احمد. (۱۳۸۲). *نجات الانس من حضرات القدس*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی. ج ۴. تهران: اطلاعات.
- ۱۱- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سمت.
- ۱۲- خدایار، ابراهیم. (۱۳۸۴). *از سمرقند چو قند: گزیده شعر معاصر فارسی تاجیکی ازبکستان*. تهران: مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی و اشاره.
- ۱۳- خدایار، ابراهیم و غلام کریم‌اف. (۱۳۸۸). «فهرست کتاب‌های چاپ سنگی حافظ شیرازی در ماوراءالنهر - ازبکستان» در حافظ پژوهی (دفتر دوازدهم). به کوشش جلیل سازگارنژاد. شیراز: مرکز حافظ‌شناسی. صص ۱۱۶-۱۴۲.
- ۱۴- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. دوره ۱۵ ج. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران و روزنه.
- ۱۵- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). «نوایی، نظام‌الملک ثانی و امیرکبیر خوارسان». ایران - شناخت. ش ۱۱. صص ۴۲-۶۳.
- ۱۶- رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در تاجیکستان. (بی‌تا). «تاریخچه آموزش و پرورش تاجیکستان» در وبگاه
- <http://dushanbe.icro.ir/index.aspx?siteid=185&pageid=7951>
- [تاریخ بازدید ۸۹/۰۵/۰۳]
- ۱۷- رئیس‌نیا، رحیم. (۱۳۸۷). «ترکسی، ادبیات» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر کاسم موسوی بجنوردی. ج ۱۵. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. صص ۱۸۲-۱۹۰.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۷). *جنبش جدیدیه در تاتارستان*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- ۱۹- زکی ولیدی طوغان، احمد. (۱۳۷۷). «امیرعلیشیرنوائی بزرگ‌ترین شخصیت ادبی ترک». ترجمه مریم ناطق شریف. نامه پارسی. س ۳. ش ۳. صص ۳۹-۵۷.
- ۲۰- شگفته، صغری‌بانو. (۱۳۸۷). شرح احوال و آثار فارسی امیرعلیشیرنوائی مختلص به فانی. تهران: الهدی.
- ۲۱- شکوری بخارایی. محمدجان. (۱۳۸۱). انسنگرایی آموزش و زبان ملی. دوشنبه: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان.
- ۲۲- _____ (۱۳۸۲). تعلیقات بر روزنامه صدرضیاء. نوشته صدرضیاء. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۳- شهیدی مازندرانی، حسین (بیژن). (۱۳۷۷). فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جای‌ها). تهران: نشر بلخ، وابسته به بنیاد نیشابور.
- ۲۴- عطار نیشابوری، فریدالدین محمدبن ابراهیم. (۱۳۸۳). تذکره اولیاء. بررسی، تصحیح متن، توضیحات و فهارس دکتر محمد استعلامی. چ ۷. تهران: زوار.
- ۲۵- _____ (۱۳۸۳). منطق الطیر. مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- ۲۶- غنیمی هلال، محمد. (۱۳۷۳). ادبیات تطبیقی: تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی ترجمه و تحشیه و تعلیق از مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- ۲۷- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۷۴). ایرانویج. تهران: دانشگاه تهران
- ۲۸- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۷۴). شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری. چ ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۲۹- فروزانی، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۸). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ساهانیان. چ ۵. تهران: سمت.
- ۳۰- کفافی، محمد عبدالسلام. (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی: پژوهشی درباب نظریه ادبیات و شعر داستانی. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: به‌نشر.
- ۳۱- عینی، صدرالدین. (۱۳۶۲). یادداشت‌ها. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه

۳۲- مرادعلی بیگی لنگرودی، عبدالله. (۱۳۸۳). «خیالی‌بافی پان‌تورکیست‌ها - واقعیت تاریخی» در تاجیکان، آریایی‌ها و فلات ایران گردآوری و تحقیق میرزا شکورزاده. ج ۲. تهران: سروش. صص ۹۷-۲۰۶.

۳۳- مصطفوی شیرازی، رضا. (۱۳۷۹). «پندنامه عطار» در دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج ۵. تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلامی. صص ۷۶۶-۷۶۷.

۳۴- ندا، طه. (۱۳۸۰). ادبیات تطبیقی. ترجمه دکتر زهرا خسروی. تهران: فرزانه روز.

۳۵- نفیسی، سعید. (۱۳۷۳). «سرزمین پاک نیاکانم» در تاجیکان در مسیر تاریخ. گردآوری و تحقیق میرزا شکورزاده. تهران: الهدی.

۳۶- نوایی، امیرعلیشیر نوایی، علیشیربن کیچکنه. (۱۳۴۲). دیوان امیرنظام‌الدین علیشیر نوایی "فانی". به سعی و اهتمام رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: ابن‌سینا.

۳۷- _____ (۱۳۶۳). تذکره مجالس‌النفائس. به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: تابخانه منوچهری.

۳۸- وفایی، عباسعلی [به سرپرستی]. (۱۳۸۴). سیمای فرهنگی ازبکستان. تهران: الهدی.

ب. آثار تاجیکی و ازبکی و روسی (به خط سرلیک)

39- Абдуллаев, В. ва баш. (1977). ЎЭБК АДАБИЁТ ТАРИХИ. 2Т. Тошкент: фАН.

40- Азизкулов Ц. А. (Сармуҳаррир). (1989). ЭНЦИКЛОПЕДИЯИ АДАБЁТ ВА САНЪАТИ ТОҶИК. ҷ. 2. Душанбе: СИЭСТ.

41- Афсаҳзод, А. (1989). "НАВОЙ" дар ЭНЦИКЛОПЕДИЯИ АДАБЁТ ВА САНЪАТИ ТОҶИК. ҷ. А. Азизкулов (Сармуҳаррир). Ҷ. 2. Душанбе: СИЭСТ. СС. 405-407.

- 42- Bertels, E. (1928). "Nevai i Attar". In *Sbornik. Leningrad. pp. 24-82.*
- 43- Мусаев Ш. (2004). "Литераурне Наследие Фаридуддина Аттара в Рукописном Фонде Инстиута Востоковения АН РУЗ.". *Шайх Фаридуддин Аттор Нишобуринмиг Хаёти ва Ижоди Мавзуидаги Халқаро Илмий Анжуман. Тошкент: ТДШИ. 88-102 бетлар.*
- 44- Олимов, С. (2004). "Навойи ва Аттор". *Шайх Фаридуддин Аттор Нишобуринмиг Хаёти ва Ижоди Мавзуидаги Халқаро Илмий Анжуман. Тошкент: ТДШИ. 53- 65 бетлар.*
- 45- Қуронбеков, А. (2004). "Атторнинг «Мант ут-тайтр» ва Навоийини «Лисорон ут-тайтр» асарларини гоявий йўналиши". *Шайх Фаридуддин Аттор Нишобуринмиг Хаёти ва Ижоди Мавзуидаги Халқаро Илмий Анжуман. Тошкент: ТДШИ. 29- 37 бетлар.*
- 46- Ганиева, С. (2004). "Лисорон ут-тайтрадаги баъзи Ҳикоятлар Талқини". *Шайх Фаридуддин Аттор Нишобуринмиг Хаёти ва Ижоди Мавзуидаги Халқаро Илмий Анжуман. Тошкент: ТДШИ. 24- 29 бетлар*
- 47- Ҷабибуллев, А. (2004). "Фаридуддин Аттара в панднамаси". *Шайх Фаридуддин Аттор Нишобуринмиг Хаёти ва Ижоди Мавзуидаги Халқаро Илмий Анжуман. Тошкент: ТДШИ. 75-84 бетлар.*
- 48- Ҳасанова. Ш. (2004). "Ризойинг Куш Тили Достони Ҳақида". *Шайх Фаридуддин Аттор Нишобуринмиг*

Хаёти ва Ижоди Мавзӯидаги Ҳалқаро Илмий Анжуман.
Тошкент: ТДШИ. 102-104 бетлар.

ج) آثار ازبکی به خط لاتین

49- Alisher Navoiy. (1984). *Lisonut-tayr* (nasriy bayon muallifi: Sh.Sharirov). Toshkent.

50- Alisher Navoiy. (1991). *Lisonut-tayr*. Toshkent.

51- Alisher Navoiy. (2001). *Nasoyimul-muhabbat*. MAT. 17-jild. Toshkent: Fan.

52- I. Haqqulov. (1991). *Tasavvuf va sheʼriyat*. Toshkent.

53- I. Haqqulov. (1995). *Oʻzbek tasavvuf sheʼriyatining shakllanishi va taraqqiyoti*. DDA. Toshkent.

54- N. Komilov. (1996). *Tasavvuf*. Toshkent.

55- Z. Hamidov. (1982). *Alisher Navoiy Lisonut-tayr asari tilining leksik-stilistik xususiyatlari*. Nomz. diss. Toshkent.

د) ویگاه ازبکی به خط لاتین

56- "Alisher Navoiy", 30 iyul 2010 [Online] from http://uz.wikipedia.org/wiki/Alisher_Navoiy, [7 Sep 2010].

57- "Alisher Navoiy", 30 iyul 2010 [Online] from <http://nafosat.freenet.uz/nazm/navoiy/navoiy.shtml>, [7 Sep 2010].

